

مقام زن در اسلام ، در پرتو یک حدیث نبوی

تصور خالق در اسلام بر ابلاغ آسمانی که همانا بذریعه وحی نازل شده و توسط رسول الله ص در شکل قرآن و احادیث صحیحہ مدون گردیده و تا روز قیامت یگانه مرجع شناخت خالق متعال خواهد بود، استوار است. طبق آن ابلاغ قطعی که هیچ گنجایش شک و تردید را ندارد، خالق کون و مکان، خالق بشر و خالق همه کاینات، ذات اقدس رب ذوالجلال است. هیچ چیزی وجود نداشت هنگامی که او بود و هیچ چیزی نخواهد بود روزیکه او اسرافیل را به نفخ صور امر میدهد که در اثر آن نفخ بشمول اسرافیل ع همه مخلوقات فنا میشوند، و بجز ذات اقدس او چیزی باقی نمی ماند و آنگهیست که خداوند میفرماید :

" ... لمن الملك اليوم " ای کسانیکه در دنیا ادعای ملک و پادشاهی داشتید، بیایید ببینید که امروز ملکیت حقیقی و پادشاهی اصلی از کیست؟

در مورد آنروز، چنین نیز فرموده است :

" ... كل من عليها فان و يبقى وجه ربك ذوالجلال و الاكرام " در آنروز همه مخلوقات جهان و افلاک فنا میشوند و جز ذات اقدس او چیزی باقی نمی ماند.

مسلمانان چنانکه شناخت خالق خویش را از قرآن و فرموده های رسول اکرم ص حاصل میکنند، برای دانستن صفات خالق شان نیز از همان دو مأخذ استفاده میکنند. و طبق آن دو مأخذ، خالق جهان ذات اقدس و ازلی الله است. او یکتا و بی همتا است. او ذات مقتدر است و ذاتیست که هرچه خواهد، همان میشود، با یک " کن یكون " میشود.

آن ذات در مقابل هیچ مخلوقش جوابده نیست، بلکه همه مخلوقاتش در مقابل او جوابده اند. هر مخلوقش را با هر صفتی و در هر شکلی، در هر جایی و هر زمانی و تا هر زمانی که بخواهد خلق میکند. آن خالق که داری چنین صفاتیست، در مورد یکی از مخلوقاتش که انسان نام دارد در قرآن مجید چنین فرموده است :

" هو الذی یصورکم فی الأرحام کیف یشاء " او ذاتیست که شما را در رحم مادرهای تان به گونه ایکه خودش میخواهد شکل میدهد.

در همین مورد در جای دیگری میفرماید :

" ... و نقرفی الارحام ما نشاء ... " ما قرار میدهیم در رحم های مادران هر چیزی را که میخواهیم...

و در عین موضوع در جای دیگری میفرماید :

" ... الذی خلقک فساوک فعدلک فی آی صورۃ ما شاء ربکب " ... ذاتی که ترا خلق کرد و درست نمود و خلقت معتدل و بدون عیوب بخشود، و در شکلی که او خواست ترا صورت بخشود ...

دین اسلام پیروانش را به این هم وادار میکند تا یقین محکم به این داشته باشند که آن خالق هیچ مخلوقش را عبث پیدا نکرده است. و به این نیز تلقین میکند که هیچ مخلوق مجاز اعتراض علیه تخلیق او نیست. روی همین منظور انسان مسلمان به این یقین دارد که تفاوتها میان انسانها نیز مبنی بر اختیار و صوابدید خالق است و نباید علیه آن اعتراضی صورت گیرد ورنه از دایره اسلام خارج میگردد. انسان مسلمان اینرا نیز امر مسلم میداند که انسان در هر دو بخش ذکوری و انثوی اش رسالتی در جهان دارد و رسالت هر دو دارای تفاوت کم و بیش است و مطابق رسالت سپرده شده بهر کدام شان، آن خالق عالم و دانا هر دو را دارای خصوصیتهایی خلق کرده که شناسایی تفاوتها و پلانگذاری مطابق صلاحیتهای هر دو بخش را جز همان خالق، کسی دیگری انجام داده نمیتواند. و نه کدام مخلوق مجاز این است که برای این دو مخلوق برنامه ریزی کند، زیرا که خصوصیتهای این دو را چنان که متذکر شدم بجز خالق آنها کسی دیگری نمیتواند.

خالق متعال ج غذای طفل نوزاد را در جسم مادر تهیه کرده. به همین خاطر زن را بخاطر تخزین غذا و سهولت تغذیه، عضو بارزتر از آن عضو نرذ مرد داده است. پس آیا مردان حق دارند اعتراض کنند که اجسام آنها چرا بگونه اجسام زنان نیست. و بالعکس آیا زنان حق دارند اعتراض کنند که این عضو نرذ آنها چرا مانند مردان نیست تا از این پارچه اضافی ایکه نسبت به سایر اعضاء گاه گاه بیشتر قابل تضرر است، در امان میبودند؟! (قابل تذکر میدانم تا بگویم که این مثال را برای زنان مسلمان ذکر کرده ام و مردان مسلمان و آبرومند اینرا میدانند

که زن مسلمان و متقی در اخفاء و عدم تبارز این عضو چه تدابیری میگیرد تا چشم نامحرم به آن متوجه نشود))
 به همین گونه خداوند متعال، خالق علیم و حکیم خودش میداند که چه خلق کند و چوقت و در کجا خلق کند و تا چوقت. سپس اگر رسول آن خالق یک خبر آسمانی را بیان میدارند و میفرمایند که قوت حافظه و تکالیف دینی نرذ زنان کمتر است نسبت به مردان، درین چه اعتراض است؟ چرا خود را به زمین میزنند که اسلام زن را توهین کرده ؟ چرا لقمه آسان بدهن دشمنان اسلام میدهند ؟ آخر درین چه مشکلی وجود دارد ؟ آیا همین اسلام این را نیز نگفته که قوت عاطفه

و مهر و نزعه حفظ نوع انسانی نزد زن بیشتر از آن در نزد مرد است؟ آیا روی همین منظور تربیه انسان را و تدابیر امور منزل و آشیانه بشریت را به عهده زن نگذاشته؟

پس ای خواهران مسلمان! به خالق تان سر تسلیم خم کنید، او شما را و مردان را بهتر از شما و مردان می‌شناسد. او هر مخلوق را مطابق استعدادها و صلاحیت هایش مکلف نموده و وظایف جامعه را نیز مطابق طبیعت خلقت هر جنس به آنها واگذار کرده است.

اکنون بیایید ببینیم که آن حدیثی که در آن پیامبر اسلام حضرت محمد ص این امر را بیان فرموده اند و دشمنان اسلام آنرا بهانه گرفته در کوشش اند تا پیروان این دین را نسبت به او بی باور کنند، و متأسفانه که یک تعداد مسلمانها در حال آنها گرفتار شده اند. بیایید ببینیم که متن آن حدیث چگونه است و در چوخت و روی چه منظور گفته شده است: **عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- فِي أَضْحَىٰ أَوْ فِطْرٍ إِلَى الْمُصَلَّى، فَمَرَّ عَلَى النِّسَاءِ، فَقَالَ: "يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ، تَصَدَّقْنَ، فَإِنِّي أُرِيكُمْ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ" فُلْن: "وَبِمَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: "تُكْثِرْنَ النُّعْنَ، وَتُكْفِرْنَ الْعَشِيرَ، مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلِ وَدِينٍ أَذْهَبَ لِلْبِ الرَّجُلِ الْحَازِمِ مِنْ إِحْدَاكُنَّ" فُلْن: "وَمَا نُفْصَانُ دِينِنَا وَعَقْلَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: "أَلَيْسَ شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ مِثْلَ نِصْفِ شَهَادَةِ الرَّجُلِ؟" فُلْن: "بَلَى. قَالَ: "فَدَلِكِ مِنْ نُفْصَانِ عَقْلِهَا. أَلَيْسَ إِذَا حَاصَتْ لَمْ تُصَلِّ وَلَمْ تُصُمْ؟" فُلْن: "بَلَى. قَالَ: "فَدَلِكِ مِنْ نُفْصَانِ دِينِهَا" متفق عليه**

اول ترجمه این حدیث را باید بخوبی بفهمیم تا فهمیدن جریانات آن برای ما آسانتر شود. از ابی سعید خدری رض روایت است که رسول الله ص در یک روزی از روزهای عید فطر یا اضحی به عید گاه رفتند و در اثنای راه نظر مبارک شان به مجمع زنان افتاد و برایشان فرمودند: ای زنها زیاد صدقه بدهید بخاطریکه برای من نشان داده **شد (من در اثنای معراج دیدم) که بیشترین ساکنان دوزخ را زنها تشکیل میدهد.** گفتند به چه سبب ای رسول الله؟ فرمودند بخاطریکه زنها زیاد لعن میگویند و منکر نیکی اند و کفران عشرت میکنند (نیکی و خوبی شوهران را ناپسند میگیرند) در خطف عقل و دماغ مرد قاطع و مصمم، زیرک تر از زنان ندیدم **هرچند که عقل و دین آنها کم است** (در زیرکی آنقدر ماهر هستید که عقل و هوش زیرک ترین و قاطع ترین مرد هم درمشت شما میباشد) یکی از زنان پرسید که نقص دین و عقل ما یعنی چه ای رسول خدا؟ فرمودند: **آیا شهادت یک زن مساوی با نصف شهادت یک مرد نیست؟** گفت بلی. فرمودند: **آنست نقص عقل.** و آیا چنان نیست که زنان در ایام دوره ماهواری نماز نمیخوانند و روزه نمیگیرند؟ گفت بلی. فرمودند که **آنست نقص دین...** این حدیث را بخاری و مسلم روایت کرده اند. و عین حدیث را با اختلاف اندک در الفاظ، کتابهای دیگر حدیث هم روایت کرده اند. حتی در یکی از روایات، راوی وصف دقیقی از چهره آن زن کرده که از رسول الله ص بار بار سوال میکرد.

بیایید اکنون تأملی بر الفاظ حدیث داشته باشیم نیز اینکه در چه مناسبت گفته شده است تا در پرتو الفاظ و مناسبت آن بتوانیم مجریاتش را تا حد امکان بدرستی بفهمیم: این سخن را حضرت رسول الله ص در روز عید گفتند و آنهم بعد از آنکه خطبه عید تمام شده و در اثنای بازگشت از قسمت صفهای زنان عبور میکردند. یعنی بعد از آنکه در خطبه همه نصیحتها و احکام را بیان کرده بودند. ظاهر است که روز عید روز فرحت و خوشی و زینت مسلمانان است. سپس احتمال میرود که یکی یا بعضی از زنها بحجت اینکه در صفوف آنها همه اناث هستند و مردان به عقب نگاه نمیکنند، اهتمام کامل به حجاب چهره نکرده باشند، نیز بشکل غلیظ سرمه به چشمان کشیده باشند. این احتمال وقتی قویتر میشود که در روایت دیگری وصف دقیق از چهره آن زن سوال کننده صورت گرفته. یعنی در زمانیکه حجاب قبلا نازل شده بود. این سبب شده تا رسول الله ص آنها را با اسلوب حکیمانه نبوی فهمانده باشند که اینکار در بین مردان فتنه برپا میکند. و میبینیم که آنحضرت ص از همان وصف زنان یاد میفرمایند که اکثرا سبب استسلام مردان میشود (در خطف عقل و هوش مردان قاطع، زیرک تر از شما ندیده ام) تاریخ شاهد است که بسا امپراتوری ها را شاهان وقت فدای سایه موی محبوبه ها کرده اند! ...

در قسمت اطاعت رسول، الله تبارک و تعالی میفرماید:

"و ما کان لمؤمن و لا مؤمنة اذا قضی الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم ... " بعد از آنکه خدا و رسولش در مورد چیزی فیصله میکنند، باز نه مرد مومن و نه زن مومن اختیار کار خود را دارند ...

درینجا دیدیم که اموری که بشکل قانون از جانب خدا و رسولش برای مؤمنان **تعیین** (تعیین) میگردد در آنجا مؤمنان حق چون و چرا را ندارند و مجبور و مکلف اند سر تسلیم خم کنند، حتی سبب را هم نپرسند، در صورت دیگر از زمره مؤمنان خارج میگردند ... اما درین حدیث می بینیم که یک زن با جرأت کامل بار بار میپرسد: این چرا ای رسول خدا ...؟ این به چه سبب ای رسول خدا ...؟ ازین معلوم میشود که حضرت رسول الله ص درینجا قانون گذاری نکرده اند، بلکه یک حالت فعلی موقت را بیان داشته اند. به این معنی که قوت حافظه نزد زن کمتر از مرد است و از آنجاییکه مرکز حافظه عقل و دماغ انسان است، فقط در همین جا، خداوند این قوت را در زنان ضعیفتر خلق کرده ... پس زنان حق اعتراض از کجا حاصل کردند که بگویند این توهین به زن است؟! ...

آیا این توهین به زن است که خدا در یک ناحیه او را نسبت به مرد کمتر داده؟ آیا همین زن نمی بیند که همان خالق که او را درین بخش کمتر عطا فرموده، در بخش مهر و عواطف آنقدر عطا فرموده که برای صد مرد هم به آن اندازه

عطا نفرموده است؟ آیا مرد حق اعتراض را دارد؟... در موضوع شهادت زن مساوی به نیم شهادت مرد ببینید، آیا شهادت دادن در کدام واقعه ای، فضیلت است یا وجیبه و مکلفیت؟ بنظر اسلام این یک مکلفیت است، وجیبه است، مکلفیت دشواری که گاه گاه صاحبش را به دشواریهای گوناگون زندگی مواجه میکند! آیا این مرحمت خداوند نیست که زن را تقریباً ازین تکلیف در امان نموده و نصف این تکلیف را از شانه او برداشته؟ اما در بخشهای دیگر زندگی که تواجد زن در آنجا لازمی است و بدون وجود زن، آن بخش تکامل پیدا نمیکند، در آنجا ببینید که خداوند زن را از چه فضایل و تقدیرات بی شایبه ای نوازیده است! زن را اولین گهواره انسانیت گردانده است. و چون در وقت نیازمندی به گهواره، انسان شدیداً نیازمند به لطف و مهر و شفقت میباشد خالق متعال زن را آنقدر مهر و شفقت داده است که اگر صد مرد هم بخواهند درین میدان با او برابری کنند پله یک زن از همه آنها سنگین تر و وزن دارتر میشود.

انا خلقنا کل شیء بقدر... ما هر چیز را به اندازه خلق کرده ایم.

در خلق خدا هیچ کس حق اعتراض ندارد، چون او بهتر میداند که چه خلق کند و به چه اندازه خلق کند... نقص دین... عجیب این است که زنها درین مورد چندان احتجاج نکرده اند مثلیکه در مورد نقص عقل کرده اند! و عجیبتر از آنهم این است که غرب درین موضوع بکلی مداخله نکرده است!! با وجود اینکه هر دو (نقص عقل و دین) در یک متن وارد شده اند!! خوانندگان را میگذارم که خود آنها این معما را حل کنند...! و من به موضوع حدیث برمیگردم.

مسلمان یقین کامل به این دارد که دین از خداست و شریعت را خداوند **تعین** (تعیین) میکند و از بشر اول، آدم ع تا آخرین انسان، همه باید متابعت از شریعت خدا بکنند و هیچکس حق قانونگذاری را ندارد. خالق این بشر خودش میداند که در کدام زمان کدام شرع تعین (تعیین) گردد و کدام قانون تا چه زمانی و بالای چه جوامعی تنفیذ شود. از همینجاست که قرآنکریم از تاریخ بنی اسرائیل حکایت میکند که باری در نتیجه عبادت گوساله سامری، از سوی خدا برایشان حکم صادر شد که نفس های شان را قتل کنند:

"... فتوبوا الی بارئکم فاقتلوا انفسکم ذالکم خیر لکم عند بارئکم" ... پس به دربار خالق تان توبه کنید و خود را قتل کنید، همین نزد خالق تان برای شما بهتر است ...

اما امروز ما می بینیم که خداوند بخاطر قبولی توبه چنین عذاب را بر امت محمد ص مسلط نمیکند. چونکه خداوند خودش میداند که کدام شریعت سازگار کدام زمانه است. پس آیا ما اکنون گفته میتوانیم که شریعت ما سهل انگاری کرده. و یا شریعت ما نقص دارد، زیرا که در آن توبه گنهار به آسانی قابل قبول است و بمجرد توبه زبانی و قلبی و اظهار پشیمانی و عدم تکرار گناه سابق، بنده بخشوده میشود! بهمین ترتیب می بینیم تفاوت نماز در شریعت محمدی را با شریعت یهود. بنا بر اثرهای معتبر، در شریعت یهود روزمره پنجاه نماز فرض است. اما در اسلام پنج نماز روزانه فرض است. درینجا من بازهم همان سوال سابقه را تکرار میکنم که آیا این به نقص در شریعت محمدی دلالت میکند؟ نعوذ بالله. نه هرگز نه... این امر دلالت برین میکند که خداوند داناست و حکیم است و او خودش و تنها خودش میداند که در کدام وقت چه مناسب است. آن شریعت یهود بود و این شریعت مسلمانان است. ولو که درینجا مکلفیت شرعی کم است و در آنجا زیاد بود، مگر هر دو از طرف خداوند ذوالجلال و نظربه صوابدید خداوندی بود. شریعت مسلمانان را خداوند متعال اینگونه تعین (تعیین) نموده و شریعت یهود را آنگونه. این در وقت خود درست و آن در وقت خود.

آیا زن به اختیار خود حایض میشود و یا بحکم خداوند متعال؟ باز آیا به اختیار خود در هنگام حیض از نماز و روزه امتناع می ورزد یا بحکم خداوند متعال؟ آیا خصوصیت هایش را خودش بهتر میداند یا خالقش؟ آیا شریعتش را خود او اختیار میکند یا معبودش؟ پس اگر هرچیز از جانب خداوند متعال باشد، چگونه گفته میتوانیم که دین زن ناقص است؟ و وقتیکه رسول کریم ص زنان را ناقصات الدین گفتند، آیا هدف ایشان این بوده که زن نسبت به مرد کم دین است؟ نه ای خواهر مسلمان هرگز نه... در حقیقت رسول الله ص خواستند تا زنان را به یک مرحمت و لطف خداوندی و به یک باریکی خوش آیندی درین دین متوجه نمایند. ایشان خواستند زنان متوجه شوند که مکلفیتهای آنها خفیف تر از آنست که بر مردان تعین (تعیین) گردیده. خداوند حکیم و دانا خفت خلقت آنها را میداند. مگر با وجود اینکه مکلفیت های شرعی شما کمتر است، ببینید که در اجر و ثواب همان قدر برایتان داده میشود که برای مردان! در روز آخرت مردان دعوا نمیتوانند که ای خدا ما نسبت به زنان بیشتر نماز خواندیم و بیشتر روزه گرفتیم... به باریکی ایکه آنحضرت ص اشاره کرده اند اینست که ای زنان... با وجود اینکه شریعت شما خفیفتر و اجر تان مساوی با اجر مردان است، مگر در اتنای معراج دیدم که بیشتر تعداد دوزخیان زنان بودند! بخاطریکه مجالس شما بدون غیبت گرم نمیشود... طعن و لعن به آسانی از زبان تان خارج میشود. شوهرهای تان اگر تمام عمر شما را بر سرشانه بردارند و همه آسایش زندگی را برایتان مهیا کنند، بمجردیکه یک کارشان طبق میل تان نبود میگویند "ما رأیت منک خیراً قط!" من اصلاً از تو خیری ندیده ام!! کفران عشرت میکنید و منکر معروف هستید... سپس بیشتر صدقه بدهید و بیشتر استغفار و توبه کنید... این بود هدف رسول الله ص. نه اینکه دین و عقل زنان را عیب گویند.

د پائو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولی

نعوذ بالله. ایشان چگونه عقل و دین زنان را عیب بگویند در صورتیکه خود ایشان گاه گاه در اشاره به ام المؤمنین عائشه رض میفرمودند " خذوا نصف دینکم من هذه الحمیراء " نصف دین تانرا ازین حمیراء بیاموزید ... درموقع حدیبیه وقتیکه معاهده را با کفار قریش امضا کردند و اصحاب را امر فرمودند تا موهای شانرا تراش نمایند زیرا که امسال عمره نمیتوانند، از شدت صدمه یکفرد از اصحابش برخواست تا حکم نبوت را بجا بیاورد، امریکه خود پیامبر اسلام ص را متحیر ساخت. در حالت پریشانی به خیمه داخل شدند و به ام المؤمنین حضرت ام سلمه رض حکایت کردند که اصحابم را حکم دادم تا موهای شانرا بتراشند، یکی هم امر را بجا نیآورد ...! آن زن هوشیار و حکیم که موقف را کاملا درک کرده بود و میدانست که اصحاب از نافرمانی رسول الله نه بلکه از شدت موقف امتناع ورزیده اند، سپس به حضرت محمد ص مشوره میدهد که ای رسول الله شما میدانید که این معاهده بر مسلمانان شدیداً تأثیر کرده. این معاهده را آنها با دشواری و فقط در امتثال به حکم شما قبول کرده اند. مگر باکی ندارد، معذرت آنها را قبول کنید و از خیمه خارج شده خودتان یکی از اصحاب را امر کنید که موهای تانرا بتراشد باز ببینید که چه واقع میشود. حضرت رسول کریم ص که هر لحظه در تأیید وحی الهی قرار دارند و بمشوره هیچ بشر نیازمند نیستند، ولی بازهم از بشر مشوره میگیرند و آنهم از یک زن. این برای چیست؟ برای اینکه به عقل زن احترام قایل اند. برای اینکه ایشان مربین و قایدین تربیه میکنند، رهبران امت تربیه میکنند ... رسول الله ص موهای مبارک شانرا تراشیدند و چون صحابه دیدند که دیگر چاره نیست، همه یکی بعد دیگری برخاستند و موهای شانرا تراشیدند و قربانی کردند. این بود مشوره یک زن که امت اسلام را در نازک ترین مرحله تاریخی از ارتکاب نافرمانی رسول الله ص نجات داد. در اخیر یک حدس میزنم که بعد از تفکر چندین ماه به آن رسیده ام، و از خداوند متعال خواهانم که اگر درست باشد توفیق شکر برایم عطا نماید و اگر بیجا باشد باز هم بدرگاه خداوند متعال دست عاجزی بلند کرده طلب مغفرت میکنم و از بارگاه خالق متعال میخواهم که در جرم گستاخی علیه رسولش مرا نگیرد و از گناهم درگذر کند. حدس چنین است که از جریان حدیث و مناسبت روز عید و از سوالهای مکرر آن زن چنین ظاهر میشود - والله اعلم - که رسول الله ص بمناسبت عید و بخاطر شادمانی دل زنها با دهن متبسم سخنی بمیان آورده باشند. کاملاً مانند یک واقعه مشابه به این، هنگامیکه یک پیره زن از رسول کریم ص خواست تا از خداوند برای وی جنت بخواهند. ایشان در جواب آن پیره زن گفتند که پیره زنها به جنت نمیروند. پیره زن بیچاره در حال نومیدی اشک میریزد، در آنوقت حضرت محمد ص فرمودند که من راست گفتم که پیره زنها به جنت نمیروند زیرا که مستحقین جنت قبل از داخل شدن به جنت در اوج شباب برمیگردند سپس به جنت داخل میشوند. به این ترتیب آنحضرت ص آن پیره زن را با مزاح صادق، شادمانی دل و بشارت جنت دادند. درینجا هم آنحضرت ص فرحت عید را برای دلشاد نمودن زنها و نقش نمودن تبسم در چهره های آنها، مناسبت خوبی شمرده باشند و با لب متبسم برای شان گفته باشند که ای زنها ... شما هم عجیب هستید ... با وجود اینکه قوت حافظه تان ضعیف است و خلقت تان هم ضعیف است و بخاطر همین ضعیف حافظه و ضعف خلقت، خداوند شما را بشهادت در محاکم مکلف نکرده تا زمانیکه یک مددگار و معاون هم در پهلو تان قرار نداشته باشد. نیز بعضی مکلفیتهای شرعی را از شما برداشته. اما باوجود آنهم هوش و عقل مردان قاطع و مصمم را فلج کرده میتوانند!! و از آنجاییکه حضرت محمد ص، رسول الهی اند، در هر قدم به خیر دعوت و از منکر منع مینمایند، سپس موقع فرحت را اگر با مزاح صادق، برای دلشادی بندگان خدا بکار میبرند، همان مناسبات را برای دعوت و رسالت نیز بکار میبرند و به این ترتیب ثابت مینمایند که درکنار رحمة للعالمین، بشیر و نذیر نیز میباشند ... از مجریات حدیث و متن حدیث و مناسبت خوشی عید و اخذ و عطا میان رسول الله ص و زن سوال کننده، به هیچ وجه این ثابت شده نمیتواند که پیامبر اسلام ص، آن رحمة للعالمین، آن صاحب " الخلق العظیم " روز عید را برای این انتخاب کرده باشند که زنها را بگویند شما بیعقل هستید، یا کم عقل هستید و اسلام تان ضعیف است و بسبب همین ضعف اسلام تعداد زیاد دوزخیان زنها میباشند.... البته این کاملاً بجاست که نبی الرحمة، آن صاحب اخلاق عظیم، آن رادمرد تاریخ، آن انسانیکه تبسم را صدقه جاریه قرار داده است، این کاملاً بجاست اگر بگوئیم که ایشان مناسبت عید را و عهده رسالت را به وجه احسن استعمال کرده اند و در آن واحد، دعوت به دین و مزاح صادق نموده اند.

اکنون شاید یک چیزی برایتان واضح شده باشد که نقص عقل و نقص دین یعنی چه؟ نقص عقل به این معنی نیست که عقل زنها نسبت به جنس مخالف کم است، بلکه به این معنی است که خالق زن، برای زن هر چیز را همانقدر داده است که او ضرورت دارد. زن نظر به وظیفه فطری اش به عاطفه خروشان ضرورت دارد و خداوند برایش قدر وافر از عاطفه داده است. همچنین مهر و محبت و شفقت ... و قوه حافظه نیز همانقدر برایش داده که او نیاز دارد ... به همین ترتیب نقص دین هم به این معنی نیست که نسبت به جنس مخالف دین آنها کم است. زیرا که می بینیم که در اجر و جزا هر (دو) متساوی اند. فقط فرق بین زن و مرد در دین این است که خداوند نهایت مهربان و رحیم، خلقت ضعیف و نازک زن را در نظر گرفته مطابق آن، او را مکلف ساخته که این امر دلالت به کمی و کاستی دین نه بلکه دلالت به حکمت و مرحمت فراوان خداوند متعال میکند...

در اخیر این را نباید فراموش کنیم که در تاریخ بشریت، زنانی گذشته اند که در میدان عقل و تفکر از همه مردان زمان خود برتر بوده اند اللهم انی استغفرک و اتوب الیک من کل ذنب.

د پائو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی